نقد دیوان حافظ فریدون میرزا چاپ دانشگاه تهران

شریعت، محمد جواد

آقای دکتر محمد جواد شریعت(استاد محترم دانشگاه آزاد اسلامی،واحد نجف آباد)در طیّ مقاله‏ی مبارکه‏ی خودشان در شماره‏ی‏ 19 مجله‏ی وزین حافظ چندین بار ذرّه‏پروری فرموده‏اند و به کرّات‏ این جانب را مورد لطف و محبت خود قرار داده‏اند که موجب شرمندگی‏ بنده است،اما با همه‏ی عنایتی که به این خاکسار فرموده‏اند،باعث‏ نمی‏شود انتقاداتی را که به دیوان حافظ فریدون میرزا فراهم آمده‏ی‏ من کرده‏اند،بلاجواب بگذارم که نه جواب بلکه گزارشی از کیفیت سیر این دیوان در گذشته و آینده است.

مرقوم فرموده‏اند:«دانشگاه تهران پیش از انقلاب کتاب‏هایی مانند تفسیر کشف‏الاسرار میبدی کلیله و دمنه‏ی مرحوم مجتبی مینوی‏ و کتاب‏های فضلایی مانند:مرحومان شهابی‏ها و فروزانفرها و امثال‏ آن‏ها را منتشر می‏ساخت که هر یک را مانند ورق زر می‏بردند...».

این را همه قبول دارند که دانشگاه تهران و انتشارات آن نسبت به‏ گذشته افت کرده است،اما اگر زمانه طوری شده است که دیگر در آن‏ مینوی‏ها،شهابی‏ها،همایی‏ها ژیدا نمی‏شوند که کتاب به دانشگاه تهران‏ بیاورند که چاپ شود،تقصیر انتشارات دانشگاه تهران نیست.

مرقوم فرموده‏اند:«نمی‏خواهم بگویم که دیوان حافظ چاپ‏ انتشارات دانشگاه تهران از این قبیل است،بلکه به‏طور کلّی موضوع را طرح کردم...».

حتما حضرت استاد می‏دانند که روال تصویب کتاب برای چاپ در انتشارات دانشگاه تهران بر این است که کتاب را برای سه کارشناس و بررسی می‏فرستند و اگر تالیفی دو رأی مثبت برای چاپ به دست آورد، آن وقت آن کتاب تصویب می‏شود،و دیوان حافظ را هم دو تن از استادان ممتاز دانشگاه تهران برای چاپ تصویب کردند.

ایشان برای نمونه یک غزال را به مطلع:

هنگام نوبهار گل از بوستان جدا یارب مباد هیچ‏کس از دوستان جدا

شاهد مثال آورده‏اند که:«این همه شعر الحاقی،نه در شأن ایشان‏ می‏دانم و نه در شأن حافظ و نه در شأن انتشارات دانشگاه تهران».

حضرت استاد که خود از محققان و مصححان متون قدیم هستند، بهتر از هر کس دیگر می‏دانند که وقتی محققی متنی را در دست گرفت‏ حق ندارد،هیچ دخل و تصرفی در آن بنماید و اگر نظری دارد باید در حاشیه و یا تعلیقات بنویسد.کار من در تصحیح دیوان حافظ گردآوری‏ فریدون میرزا چنین بود که آن دیوان را به همان صورت که هست بدون‏ کم و کاست ارائه دهم که دادم،حال اگر شعری به نظر کسی الحاقی یا سست رسید،دیگر گناهی و تقصیری از من مصحح نیست.

وانگهی این غزل قبلا هم در چاپ‏های:جنتی عطایی،فرزاد و یکتایی آمده بود و اگر قرار بود نقدی بشود باید جلوتر از این‏ها می‏شد. مرقوم فرموده‏اند:«این کار را(آوردن اشعار الحاقی و منسوب و مشکوک...)یک بار مرحوم فرزاد کرده است و تجدید مطلع آن از طرف‏ شما ناروا بود...».

معروض می‏گردد که من اشعار الحاقی و منسوب و مشکوک و غیره‏ را در دیوان حافظ فریدون میرزا نیاورده‏ام،بلکه در اصل نسخه‏ی‏ خطی موجود بود و من با امانت کامل همه‏ی آن‏ها را چاپ کردم.

مرقوم فرموده‏اند:«در حالی که اصل نسخه‏ی فریدون میرزا را هم‏ به دست نیاورده‏اید».

جواب:مگر دیگران که نسخه‏های خطی متعدد دیوان حافظ را چاپ کرده‏اند،توانسته‏اند اصل نسخه‏ی اولیه‏ی دیوان حافظ را به دست بیاورد.سه نسخه از دیوان حافظ نسخه‏ی فریدون میرزا در ایران موجود بود که این سه نسخه را به دست آوردم و چاپ کردم.حال‏ اگر نسخه‏ی اصل موجود نیست و پیدا نمی‏شود و در اثر حوادث زمانه‏ ممکن است از بین رفته باشد،کوتاهی و تقصیری از جانب من نیست. و اطلاعا جهت آگاهی شما و تمامی حافظپژوهان و خوانندگان مجله‏ی‏ گرامی حافظ به استحضار می‏رساند که این جانب بعد از چاپ اول کتاب‏ از روی سه نسخه‏ی موجود در ایران،هفت نسخه‏ی دیگر نیز در کتاب‏خانه‏های جهان سراغ کردم که«سی دی»این هفت نسخه را نیز به دست آوردم که ویرایش دوم دیوان حافظ با مقابله‏ی ده نسخه‏ی‏ حافظ فریدون میرزا چاپ می‏شود و حجم تعلیقات این جانب هم با همان‏ سبک و سیاق سابق چند برابر شده است،نتجتا کتاب در دو مجلد رحلی‏ و قطور که یک مجلد فقط دیوان حافظ است و یک مجلد هم تعلیقات‏ است،در دست چاپ می‏باشد.

و باز به اطلاع برسانم که چون شنیدم که نسخه‏ی اصلی‏ دیوان در موزه‏ی کابل می‏باشد،یک هفته پس از آمدن آقای حامد کرزای و به مسند نشستن او،در حالی که خطوط هواپیمایی برقرار نشده‏ بود،از طریق زمینی که مخاطرات بسیار در برداشت و هنوز طالبان در خیلی جاها نفوذ داشت،و این مسائل برای من مجهول بود و تصادفا جان‏ به سلامت بردم،با هزینه‏ی شخصی و حقوق ناچیز بازنشستگی که با اشل حقوق قبل از دهه‏ی 60 بازنشسته شدم،عازم افغانستان شدم،در حالی که زمامداران وقت از مسافرت‏های غیرضروری و بی‏فایده‏ی‏ هم قطاران‏شان دادشان بلند بود.حتا یک‏بار قرار شد که مرا با هواپیمای‏ بازی که کالا جهت دولت جدید می‏برد،بفرستند که نشد.آری!مدعیان‏ پاسداران فرهنگ و مجاهدان واقعی فرهنگ هر یک به کار خود.

مرقوم فرموده‏اند:«دیگران هم نسخه‏های فرعی شما را دیده بودند و به آن‏ها اعتنا نکرده‏اند».

معروض می‏گردد:«آن دیگران که خود من هم در مقدمه‏ی دیوان‏ نام برده‏اند،مرحومان خلخالی و گلچین معانی و همایونفرخ می‏باشند. هرکدام از این شادروانان فقط یک نسخه از این سه نسخه را دیده بودند، و این تک نسخه‏ها هم نواقص و اشکالات زیاد داشت،بنابراین به تنهایی همان طور که نوشته‏اید قابل اعتنا نبوده‏اند.

مرحوم خلخالی فقط نسخه‏ی ملک را دیده بود،و مرحوم گلچین‏ معانی هم شبی مهمان همایونفرخ بوده و به‏طور گذرا نظری به نسخه‏ی‏ مورخ 1204 ه.ق.انداخته که این نسخه به سبب هم زمان بودن‏ تاریخش با تاریخ نخستین چاپ‏های دیوان حافظ در هند و دیگر جاها محل تامل است و بیش‏ترین غزل‏های منسوب و مشکوک در این‏ نسخه آمده است که در مقدمه‏ی چاپ این جانب مذکور است.

وقت می‏شود که احمقانه‏ترین کلمات از دهان دانشمندی شنیده‏ می‏شود.در شبی که در منزل مرحوم همایون‏فرخ مهمان او بودم،سوال‏ کردم که چرا نسخه حافظ فریدون میرزا را که در اختیار داشته،چاپ‏ نکرده است؟جواب داد:آخر فریدون میرزا پادشاه بزرگی نبود.خوب. شاه عباس پادشاه بزرگی بود،شآیا در مورد حافظ کاری کرده است؟ فریدون میرزا پادشاه بزرگی نبود،اما کار بزرگی در باب حافظ که انجام‏ داده است.همتی کرده و عده‏یی از افاضل را گرد آورده و حدود پانصد نسخه‏ی خطی دیوان و جنگ و سفاین را فراهم نموده و یک بار دیگر دیوان حافظ را تدوین کرده است،حال اگر دست روزگار نسخه‏ی اصلی‏ و اولیه‏ی او را از بین برده و یا فعلا از دید محققان مستور داشته،سبب‏ نفی کار او نمی‏شود،بویژه وقتی مرحوم همایون فرخ مطلع شد که من‏ این نسخه را در انتشارات دانشگاه تهران در دست چاپ دارم،از شدّت‏ غبن رنگش برافروخته شد و با التماس و خواهش بسیار از من خواست‏ که موافقت کنم مقدمه‏یی بر چاپ من بنویسد که البته این حدّ او نبود که‏ بر کتاب من مقدمه بنویسد و بعدا هم در چاپ دیوان حافظ ساحر خودش یک نسخه از سه نسخه‏ی فریدون میرزا را داخل کرد.

سخن پایان این‏که حضرت استاد دکتر شریعت در تمام مقاله‏شان‏ یک بار از فریدون میرزا که بانی و موجد این نسخه‏ی دیوان حافظ است‏ و برای تدوین آن همت کرده است،نامی نبرده‏اند و تمام دیوان را به‏ حساب من گذاشته‏اند،در صورتی که من سه نسخه‏ی موجود در ایران‏ فریدون میرزا را کنار هم گذاشته و کاستی‏های هر نسخه را از نسخه‏ی‏ دیگر تکمیل کردم و چاپ نمودم و هیچ دخالتی در متن کتبا نداشتم.

و البته در قدم اول هر کاری اراداتی هست و چاپ نخست حافظ من‏ هم از این اصل طبیعی برکنار نیست،اما وقتی ما توجه کنیم که تمام‏ حافظپژوهان از قبیل خانلری،نیساری،پژمان،انجوی،خرّمشاهی، رشید عیوضی و...هریک چندین بار حافظ چاپ کردند تا به حافظ آخرشان رسیدند،من هنوز یک بار بیش‏تر حافظ چاپ نکرده ام،البته در ویرایش دوم که با ده نسخه‏ی فریدون میرزا مقابله شده است من به آخر چاپ حافظم می‏رسم و در این چاپ با توجه به نسخه‏های نزدیک به‏ زمان تالیف،حساب بسیاری از غزل‏ها روشن می‏شود و به اصل‏ نسخه‏ی فریدون میرزا نزدیک می‏شویم.

به گفته‏ی یکی از دوستان اگر ما نسخه‏ی فریدون میرزا را با 646 غزل مقطوع و منسوب و مشکوک دایرةالمعارف شعر حافظ بنامیم، سخن بی‏جایی نخواهد بود.

اما شاه بیت غزل(سخن)من با استاد شریعت در این مقاله این‏ است که از زمان تالیف حافظ من تا زمان نوشتن نقد ایشان،شش سال‏ می‏گذرد،در صورتی که معمول چنین است که در همان سال اول بلکه‏ در همان ماه‏های اولی کتاب را نقد می‏کنند،نه پس از شش سال.من‏ رایحه‏ی غرضی از مقاله‏ی ایشان استشمام نمی‏کنم که ساحت ایشان‏ را مبرّا می‏دانم،اما احتمال این‏که ایشان با طناب پوسیده‏ی دیگران به‏ چاه رفته باشند را بعید نمی‏دانم.

در خاتمه از حسن ظن ایشان نسبت به من که چند بار در نقدشان‏ اظهار داشته‏اند،نه یک بار که صد بار تشکر می‏کنم و سپاس دارم و برای‏ ایشان سلامتی و توفیقات علمی را آرزومندم.

پوزش از عدم مرغوبیت کاغذ مجله

به قلم:آرش اسدزاده

کارشناس حقوق قضایی

و مدیر تولید نشریه‏ی داخلی دوستداران حافظ

تعدادی از خوانندگان و مشترکان مجله،همیشه ما را تشویق و ترغیب می‏کنند و می‏گویند که چون مقالات و عکس‏های نشریه‏ی‏ حافظ،قابل اعتنا و توجه است و باید در صحیفه‏ی ایام ماندگار و جاودان بماند،لازم است که از کاغذ سید اعلا برای نشر مجله‏ استفاده کنیم.پاسخ ما همیشه این بوده است که ما راضی نمی‏شویم‏ که در نتیجه‏ی استفاده از کاغذ بهتر و ناگزیر بالا بردن قیمت مجله، حتا یک نفردانشجو را از خرید مجله محروم کنیم؛لذا ترجیح‏ می‏دهیم که کاغذ مجله مرغوب نباشد تا آن‏که هیچ یک از خوانندگان و مشترکان ما،به دلیل گرانی نشریه از خرید آن سر باز نزنند.

به‏هرحال ما برای نمونه یکی از اولین نامه‏هایی که آقای دکتر احمد شعبانی از دانشگاه اصفهان در 25/10/1383 برای مرغوب‏تر کردن کاغذ ماهنامه به ما نوشته شده است،در این جا گراور می‏کنیم‏ تا مشترکان جدید ماهنامه بدانند که ما از این نقص مجله آگاهی‏ کامل داریم،ولی مصلحت جمعی خوانندگان را در صرفه‏جویی‏ می‏دانیم.در ضمن،می‏باید یادآور شویم که با همین وضع هم مجله‏ همه ماهه ضرر می‏دهد.